

تحلیل رویکرد متکلمان امامیه به حدیث متواتر

محمد الهی خراسانی

دانشجوی دکتری گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران

دکتر سهیلا پیروزفر (نویسنده مسئول)

دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران

حسن نقی زاده

استاد گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران

چکیده:

حدیث متواتر به جهت علم آور بودن، از ادله معتبر در علم کلام اسلامی به شمار می‌رود. با این حال، کاربری آن در متون کلامی امامیه کمتر به صورت مستقل بررسی شده و غالباً به چند حدیث مشهور در باب امامت فروکاسته شده است. این پژوهش به روش توصیفی - تحلیلی و با مراجعه به آثار متکلمان امامیه از قرون نخستین تا دوره‌های متأخر باهدف تبیین جایگاه حدیث متواتر در اندیشه متکلمان امامیه و تحلیل گستره کاربری آن در متون کلامی انجام شده است. یافته‌ها نشان می‌دهد که مفهوم تواتر پیش از تثبیت در علوم حدیث و اصول فقه، در بستر مباحث و مجادلات کلامی شکل گرفته و متکلمان امامیه معیار تحقق آن را حصول علم دانسته و قیودی همچون عدد معین، نقل همگانی و علم‌آوری برای همگان را نپذیرفته‌اند. بررسی آماری موارد استناد به تواتر روشن می‌سازد که بیشترین کاربرد حدیث متواتر در مبحث امام‌شناسی، به‌ویژه اثبات امامت امیرالمؤمنین (ع) و ائمه دوازده‌گانه، مشاهده می‌شود و پس از آن مباحث معادشناسی، پیامبرشناسی و خداشناسی قرار دارند. غلبه تواتر معنوی و اجمالی بر تواتر لفظی در مباحث کلامی نشانگر آن است که متکلمان امامیه بر علم‌آوری مضمون بیش از وحدت لفظ تأکید داشته‌اند. این نتایج، هم تلقی رایج از محدودیت احادیث متواتر را به چالش می‌کشد و هم ظرفیت گسترده حدیث متواتر را در استدلال‌های کلامی امامیه آشکار می‌سازد.

کلیدواژه‌ها: حدیث متواتر، متکلمان امامیه، علم کلام، تواتر معنوی، تواتر اجمالی، امام‌شناسی

سنت به معنای قول، فعل و تقریر معصوم، مانند قرآن، از منابع اصلی دین اسلام برای استنباط آموزه‌های دینی است و حدیث، مهم‌ترین راه دستیابی به سنت است. در دانش درایة‌الحدیث که به بررسی حالات گوناگون حدیث از جهت اعتبار یا عدم اعتبار آن می‌پردازد، یکی از نخستین تقسیمات حدیث، تقسیم به خبر متواتر و خبر واحد است.

تواتر از ریشه «وتر» و به معنای در پی هم آمدن است.^۱ در قرآن کریم نیز واژه «تترًا» برای فرستادن پیامبران به طور پیاپی به‌کاررفته است.^۲

خبر متواتر در «منطق»، خبری است که فراوانی ناقلان آن در حدی است که احتمال تبانی آنها بر دروغ، منتفی باشد.^۳ بر همین اساس، متواترات را در شمار بدیهیات و از مبادی اولیه برهان آورده‌اند.^۴ در دانش «درایة‌الحدیث» نیز حدیث متواتر، حدیثی است که راویان آن به اندازه‌ای هستند که عادتاً علم به صدور حدیث را در پی دارد و احتمال کذب در آن منتفی است.^۵ در برابر آن، خبر واحد است که راویان آن در حد تواتر نیستند.^۶

ویژگی علم‌آور بودن حدیث متواتر، جایگاه ویژه‌ای بدان بخشیده و آن را در شمار ادله قطعی در علم اصول فقه قرار داده است.^۷ در علم کلام نیز که وظیفه استنباط، تبیین و تنظیم عقاید دینی و دفاع از آنها را بر عهده دارد،^۸ در کنار براهین عقلی و نصوص قرآنی، احادیث متواتر از ادله معتبر و علم‌آور به شمار می‌رود.^۹

برخلاف خبر واحد که درباره اعتبار آن در مباحث غیرفقهی، بحث‌ها و مناقشات فراوانی میان دانشمندان اسلامی وجود دارد،^{۱۰} اعتبار خبر متواتر مورد پذیرش همگان است.

باوجود این جایگاه و اعتبار روشن برای حدیث متواتر و ظرفیت آن برای استدلال‌ها و احتجاج‌های کلامی، کمتر به کاربردهای آن در مباحث و متون کلامی توجه شده است. به نظر می‌رسد این کم‌اقتبالی، ریشه در تلقی رایج از حدیث متواتر دارد که برای آن جز مواردی انگشت‌شمار، مصداق دیگری سراغ ندارد و آن موارد نیز مانند حدیث غدیر یا حدیث منزلت، تنها در بحث اثبات امامت امیرالمؤمنین (ع) به کار می‌آید.^{۱۱}

بررسی‌های انجام‌شده نشان داد هرچند درباره حدیث متواتر مانند مقاله «بحث‌های مقارن در علم‌الحدیث: خبر متواتر» از محمد رحمانی، «نگاهی معرفت‌شناختی به گزاره‌های متواتر در اندیشه اسلامی» از محمد حسین‌زاده، «بررسی معرفت‌بخشی خبر متواتر»

۱. ابن منظور، لسان العرب، ۲۷۵/۵؛ زبیدی، تاج العروس، ۵۸۰/۷.

۲. مؤمنون: ۴۴.

۳. ابن سینا، الإشارات والتنبیها، ۳۵.

۴. ابن سینا، الشفاء (البرهان)، ۱۹.

۵. شهید ثانی، الرعاية، ۶۲؛ عاملی، وصول الأخیار، ۹۲؛ صدر، نهاية الدراية، ۹۷.

۶. شهید ثانی، الرعاية، ۶۹؛ عاملی، وصول الأخیار، ۹۳؛ صدر، نهاية الدراية، ۱۰۲.

۷. صدر، دروس فی علم الاصول، ۲۷۰/۱.

۸. نک: برنجکار، روش‌شناسی علم کلام، ۲۱-۲۳.

۹. نک: نصریان، روش‌شناسی استنباط در علم کلام، ۲۰۲-۲۰۴.

۱۰. نک: هاشمی، «گستره حجیت خبر واحد»؛ رضایی و گوهری، «اعتبارسنجی خبر واحد در عقاید دینی»؛ عزیزان، «بررسی حجیت روایات آحاد در مسایل اعتقادی»؛ دلبری و دیگران، «اعتبارسنجی خبر واحد در روایات اعتقادی».

۱۱. برای نمونه، عاملی در وصول الاخیار، به عنوان مصداق حدیث متواتر، تنها به حدیث «غدیر» و صدر در نهاية الدراية نیز به حدیث «غدیر» و «منزلت» اشاره کرده است. نک: عاملی، وصول الأخیار، ۹۲؛ صدر، نهاية الدراية، ۱۰۰.

از کامران اویسی، «وجود یا عدم وجود متواتر لفظی در میراث حدیثی» از مصطفی عباسی مقدم و دیگران، «واکاوی تواتر اجمالی و گستره دلالت آن» از سید ابوالقاسم حسینی زیدی و محمدابراهیم روشن ضمیر انجام شده است، در هیچ پژوهش مستقلی به تحلیل کاربرست حدیث متواتر در مباحث کلامی پرداخته نشده است. با این حال، مهدی نصرتیان اهور در کتاب «روش‌شناسی استنباط در علم کلام» به جایگاه حدیث متواتر در استدلال‌های کلامی متکلمان امامیه اشاره کرده است. سعید چهره‌نما نیز در مقاله «واکاوی منهج میر حامد حسین در نقد و بررسی تواتر احادیث در کتاب عبقات الانوار» به روش‌های متکلم شیعی میر حامد حسین هندی در نفی یا اثبات تواتر احادیث مرتبط با موضوع خلافت و امامت در کتاب عبقات الانوار پرداخته است.

پژوهش‌های معدودی نیز درباره برخی احادیث متواتر کلامی مانند «متن متواتر حدیث ثقلین در کتب شیعی و منابع اهل سنت» از جعفر شانظری و مهران طباطبایی انجام شده است.

این پژوهش بر آن است که جایگاه حدیث متواتر در اندیشه متکلمان امامیه و گستره کاربرست آن در متون کلامی نشان داده شود تا فاصله تلقی رایج با واقعیت موجود در میراث کلامی امامیه درباره ظرفیت و کارکرد کلامی حدیث متواتر روشن شود. لازم به یادآوری است که این پژوهش در پی اثبات مصداقی تواتر احادیث خاص نیست، بلکه با رویکردی تحلیلی، به بررسی نحوه درک و کاربرست «مفهوم تواتر» در دستگاه فکری متکلمان امامیه می‌پردازد و از این رهگذر، ظرفیت گسترده آن را در منطق استدلال‌های کلامی تبیین می‌نماید.

در این نوشتار ابتدا به ماهیت‌شناسی حدیث متواتر در اندیشه متکلمان امامیه و پس از آن، به بررسی گستره استناد به تواتر در متون کلامی و در نهایت، به تحلیل کاربرست حدیث متواتر در این متون می‌پردازیم.

مقصود از «متکلمان امامیه» در این پژوهش، آن دسته از عالمان شیعه امامیه هستند که دارای آثار کلامی هستند و از این جهت به ایشان عنوان «متکلم» اطلاق شده است؛ هرچند برخی از آنان به عناوین دیگر مانند «محدث» یا «فقیه» مشهورتر هستند. عالمانی که آثار کلامی‌شان در موضوع حدیث متواتر، مورد بررسی و استناد قرار گرفته است عبارت‌اند از: شیخ صدوق، شیخ مفید، سید مرتضی، ابوالصلاح حلبی، شیخ طوسی، کراچکی، ابن براج، محقق حلی، اربلی، ابن میثم بحرانی، خواجه نصیرالدین طوسی، علامه حلی، فاضل مقداد، محقق لاهیجی، فیض کاشانی، علامه مجلسی و شیخ حر عاملی.

۱. ماهیت‌شناسی حدیث متواتر در اندیشه متکلمان امامیه

پژوهش‌ها نشان می‌دهد حدیث متواتر پیش از آنکه در فضای علوم حدیث یا اصول فقه مطرح شود، در مباحث کلامی مورد توجه قرار گرفته است.^{۱۲} تعریف تواتر، معیارهای تحقق تواتر، نوع علم در تواتر، شرایط علم‌آوری تواتر و اقسام حدیث متواتر، مهم‌ترین موضوعاتی است که در ماهیت‌شناسی حدیث متواتر مورد بحث و گفتگوی متکلمان امامیه قرار گرفته است.

۱.۱. تعریف تواتر

نخستین گام در بررسی دیدگاه متکلمان امامیه درباره حدیث متواتر، تبیین تعریف آنان از مفهوم «تواتر» است. شیخ مفید (۴۱۳ق) از پیش‌گامان کلام امامیه در تعریف خبر متواتر آورده است: «إن التواتر المقطوع بصحته في الأخبار هو نقل الجماعة التي يستحيل في العادة أن تتواطأ على افتعال خبر فينطوي ذلك ولا يظهر على البيان».^{۱۳} تواتر در اخبار که صحت آن قطعی است، نقل گروهی از افراد است که به طور عادی محال است که بر جعل یک خبر تبانی کرده باشند و این تبانی پنهان بماند و به هیچ بیانی آشکار نشود.

۱۲. پاکتچی، دایرة المعارف بزرگ اسلامی، «تواتر، اصطلاحی».

۱۳. مفید، سلسله مؤلفات الشیخ المفید (اوائل المقالات)، ۸۹/۴.

شیخ مفید، تعریف مذکور را دیدگاه بغدادیان می‌داند و با اشاره به نگاه متفاوت بصریان، تواتر را از دید آنان، خبر جماعتی می‌داند که ضرورتاً علم‌آور باشد.^{۱۴}

کراجکی (۴۴۹ق) از دیگر متکلمان متقدم امامیه، در تعریف تواتر می‌گوید: «التواتر الذي وصفناه هو ما جاءت به الجماعات البالغة في الكثرة و الانتشار إلى حد قد منعت العادة من اجتماعهم على الكذب بالاتفاق.»^{۱۵} تواتری که توصیف کردیم، خبری است که گروه‌هایی آن را نقل کرده‌اند که از جهت فراوانی و گستردگی به اندازه‌ای هستند که به طور عادی اجتماعشان بر کذب، امکان ندارد. نکات مهمی که از این دو تعریف به دست می‌آید عبارت‌اند از:

- ۱- در تواتر، تعدد ناقلان موضوعیت دارد (الجماعة، الجماعات).
- ۲- تعدد ناقلان باید در حدی باشد که احتمال تبانی بر کذب و یا در هر صورت، اجتماع همگی بر کذب - هرچند با انگیزه‌های گوناگون - منتفی باشد (يستحيل في العادة أن تتواطأ على افتعال خبر فينطوي ذلك، قد منعت العادة من اجتماعهم على الكذب).
- ۳- فراوانی و پراکندگی راویان، دو عامل موثر در حصول علم از خبر متواتر هستند (الجماعات البالغة في الكثرة و الانتشار).
- ۴- احتمال کذب خبر متواتر، محال عادی است و نه محال عقلی (يستحيل في العادة، قد منعت العادة).

۲.۱. قیود تواتر

از مهم‌ترین قیودی که برای تحقق تواتر مطرح شده و متکلمان امامیه آن را مورد بحث و مناقشه قرار داده‌اند، کمینه ناقلان، نقل همگانی و حصول علم برای مخالفان است که به هر کدام اشاره می‌کنیم.

۱. ۲. ۱. قید کمینه ناقلان

یکی از مسائل بحث‌برانگیز در باب تواتر، قید کمینه ناقلان در تحقق تواتر است به این معنا که با کمتر از تعداد خاصی از ناقلان، خبر متواتر محقق نمی‌شود.

شیخ صدوق (۳۸۱ق) در کتاب کمال‌الدین با تصریح به این که: «أن الذي نسميه الخبر المتواتر هو الذي يرويه ثلاثة أنفس فما فوقهم»، کمینه تعداد ناقلان در خبر متواتر را سه نفر می‌داند.^{۱۶}

حرّ عاملی (۱۱۰۴ق) با اشاره به ادعای برخی علمای عامه که کمینه تواتر را پنج نفر دانسته‌اند، تأکید می‌کند که گاه با کمتر از این تعداد هم علم به صدور خبر حاصل می‌شود.

وی در پاسخ به این ایراد که اگر خبر چهار نفر بتواند مفید علم باشد، چرا حاکم در مواردی چون حدّ زنا موظف به تزکیه شهود است، توضیح می‌دهد که امکان تبانی نه به صرف چهار نفر بودن شهود، بلکه به ضمیمه صداقت و وثاقت آنها نفی می‌شود.

حر عاملی اعداد مطرح شده برای تعداد ناقلان در تواتر مانند ۵ یا ۱۰ یا ۱۲ یا ۲۰ نفر را مردود می‌داند و این گونه عددها را که غالباً از جانب علمای عامه مطرح شده‌اند، فاقد دلیل معتبر عقلی و نقلی معرفی می‌کند.

از دیدگاه وی، محال بودن تبانی در تواتر، نه زائیده کثرت عددی مجرد، بلکه نتیجه مجموعه‌ای از قرائن و اوصاف است و بر این اساس، پایین بودن تعداد به خودی خود مانع تحقق تواتر نیست.^{۱۷}

۱۴. همان.

۱۵. کراجکی، کنزالفوائد، ۲/۲۹۲.

۱۶. ابن بابویه، کمال‌الدین، ۸۴/۱.

۱۷. حر عاملی، إثبات الهداة، ۴/۱.

لاهیجی (۱۰۷۲ق) به صراحت هرگونه عدد معین را در تواتر رد می‌کند و معیار تحقق تواتر را حصول علم قطعی می‌داند. وی تصریح می‌کند: «نزد محققین، در اهل تواتر عددی معین معتبر نیست؛ چه گاه باشد که از عددی علم حاصل شود که گاهی دیگر از عددی بیش از آن حاصل نشود و گاهی دیگر، از عددی کمتر از آن حاصل شود؛ بلکه مناط تواتر، حصول علم قطعی است.»^{۱۸}

در تحلیل این مسئله باید گفت همان طور که لاهیجی تصریح کرده است، معیار اصلی در تحقق تواتر، حصول علم در اثر فراوانی راویان است و تعداد خاصی برای راویان، شرط نیست. سخن شیخ صدوق هم مانند حر عاملی ظاهراً ناظر به نفی اعداد مطرح شده از جانب عامه است و تعداد سه نفر در بیان صدوق، از جهت کفایت همین تعداد پایین در صورت حصول علم است. باوجود این، باید گفت بر اساس تعاریفی که از حدیث متواتر ارائه شد، تعدد راویان از جهت فراوانی و پراکندگی موضوعیت دارد و همین تعدد و تکرار ناقلان است که خبر متواتر را از خبر واحد محفوف به قرائن قطعی متمایز می‌سازد. بنابراین هرچند نمی‌توان کمینه‌های ارائه شده از سوی برخی علمای عامه مانند ده نفر و بیشتر را پذیرفت؛ ولی تعدد راویان خبر متواتر نباید آن قدر کم باشد که دیگر تعدد و تکرار ناقلان بر آن صدق نکند.

۱. ۲. ۳. قید نقل همگانی

از نکات دیگری که متکلمان امامیه درباره حدیث متواتر مطرح کرده‌اند، عدم مدخلیت نقل همگانی است. به این معنا که اگر تعداد ناقلان در حدی باشد که امکان اجتماع بر کذب را منتفی کند، کافی است و لازم نیست از تمام طوائف و اقشار به گونه‌ای که قاطبه مردم را دربرگیرد، ناقلانی داشته باشد.

بر همین اساس، علامه حلی (۷۲۶ق) «حدیث طیر» را که به عنوان یکی از فضائل حضرت علی (ع) در میان صحابه پیامبر (ص) شهرت داشته و هیچ کس آن را انکار نکرده، متواتر می‌داند؛ هرچند که تعداد خاصی از صحابه آن را نقل کرده‌اند.^{۱۹}

فاضل مقداد (۸۲۶ق) نیز نص بر امامت حضرت علی (ع) را مانند معجزات پیامبر (ص) متواتر می‌داند و عدم نقل همگان را مانع از تحقق تواتر نمی‌داند و تأکید می‌کند شرط تواتر که همان کثرت ناقلان باشد، تحقق یافته است.^{۲۰}

۱. ۲. ۴. قید حصول علم نزد مخالفان

متکلمان امامیه تأکید کرده‌اند که حصول علم نزد مخالفان، شرط در تحقق تواتر نیست.

علامه حلی در آثار گوناگون کلامی خود تصریح می‌کند که عدم علم مخالفان، هیچ‌گاه تواتر یک خبر را منتفی نمی‌سازد.^{۲۱}

وی معتقد است عدم حصول علم از خبر متواتر برای مخالفان، نه به نقص در تواتر بلکه به موانع ذهنی مخاطب باز می‌گردد. او منکران تواتر را دو گروه می‌داند: نخست معاندان که آگاهانه خبر را کتمان کرده و مدعی نشنیدن می‌شوند، و دوم کسانی که عناد ندارند اما پیش‌تر دچار شبهه‌ای در نفی مفاد خبر شده‌اند؛ همین شبهه سابق، آنان را از پذیرش اثر معرفتی تواتر باز می‌دارد. از این‌رو، سید مرتضی شرط کرده است که شنونده خبر متواتر، پیشاپیش به سبب شبهه یا تقلید منکر مفاد آن نشده باشد. علامه سپس می‌افزاید که حتی اگر علم حاصل از تواتر را ضروری بدانیم، باز هم همگانی بودن آن لازم نیست؛ زیرا در امور نظری تفاوت استعدادها مانع اشتراک در علم می‌شود و در امور ضروری نیز به‌ویژه وقتی مبتنی بر اسبابی مانند احساس و قرائن خاص اند، تفاوت افراد در دریافت و پذیرش طبیعی است. بنابراین، عدم علم برخی افراد، امری قابل انتظار و برخاسته از وضعیت ادراکی آنان است.^{۲۲}

۱۸. لاهیجی، گوهر مراد، ۳۸۶.

۱۹. علامه حلی، کشف المراد، ۳۹۳.

۲۰. فاضل مقداد، اللوامع الإلهیة، ۳۳۶.

۲۱. علامه حلی، أنوار الملکوت، ۲۱۶؛ مناهج البقین، ۴۶۱.

۲۲. علامه حلی، مناهج البقین، ۴۶۱.

اربلی (۶۹۲ق) نیز با اشاره به ادعای خبر واحد بودن اخبار نصوص و معجزات امامان از سوی مخالفان، به همین نکته اشاره کرده است.^{۲۳}

بر همین اساس، خالی بودن ذهن مخاطب از اعتقاد مخالف با خبر را شرط علم آور بودن خبر متواتر دانسته‌اند. لاهیجی در بیان علت این شرط، می‌گوید: «چه هرگاه کسی معتقد به نقیض باشد، اعتقاد وی هرآینه مانع باشد از حصول علم به مقابل آن.»^{۲۴}

۱.۳.۱. اقسام تواتر

در دانش درایه، خبر متواتر را به دو دسته متواتر لفظی و معنوی تقسیم می‌کنند.^{۲۵} برخی عالمان اصولی، قسم سوم را نیز به عنوان متواتر اجمالی افزوده‌اند که به آن خواهیم پرداخت.

۱.۳.۱. متواتر لفظی

در تعریف متواتر لفظی گفته‌اند: خبر متواتری است که در آن راویان، خبر خود را با الفاظ یکسان نقل کرده باشند.^{۲۶} در متون کلامی کمتر ادعای تواتر لفظی حدیثی مطرح شده است. شیخ طوسی در بحث امامت حضرت مهدی (عج) تاکید می‌کند که اخبار امامت حضرت علاوه بر تواتر معنوی، در منابع حدیثی شیعه از تواتر لفظی برخوردار است.^{۲۷} فاضل مقداد نیز برخی نصوص امامت حضرت علی (ع) مانند حدیث استخلاف (أنت الخليفة من بعدی) را دارای تواتر لفظی می‌داند.

۱.۳.۲. متواتر معنوی

در تعریف متواتر معنوی آورده‌اند: خبر متواتری است که الفاظ راویان گوناگون باشد، اما هر یک از آن‌ها به صورت تضمین یا التزام، بر معنایی مشترک میان همه دلالت کند، و علم به همان قدر مشترک، بر اثر کثرت اخبار حاصل گردد.^{۲۸} استناد به تواتر معنوی در متون کلامی بسیار به چشم می‌خورد. محقق حلی (۶۷۶ق) در مقام استدلال بر این که شفاعت موجب اسقاط عقاب است، به حدیث نبوی استناد می‌کند که فرمود: «ادّخرت شفاعتی لأهل الكبائر من أمتي».^{۲۹} سپس می‌افزاید که این مضمون تنها به این نقل واحد منحصر نیست، بلکه روایات دیگری نیز با همین مضمون نقل شده که با انضمام همه آن‌ها، این معنا به حد تواتر می‌رسد.^{۳۰} علامه حلی نیز در بحث نبوت پیامبر (ص)، یکی از ادله اثبات نبوت آن حضرت را معجزات گوناگون آن حضرت مانند شکافته شدن ماه، جوشیدن آب از میان انگشتان حضرت، تسبیح گفتن ریگ‌ها در کف دست ایشان، ناله تنه درخت و دیگر معجزات مشهور می‌داند و تصریح می‌کند که هرچند نقل هر یک از این معجزات به صورت خبر واحد است، اما چون گزارش‌های فراوانی با تعبیر مختلف درباره آن‌ها وجود دارد، مجموع این نقل‌ها از نظر معنا به درجه تواتر می‌رسد.^{۳۱}

۲۳. اربلی، کشف الغمة، ۴۲۶/۱.

۲۴. همان.

۲۵. شهید ثانی، الرعاية، ۶۶.

۲۶. مامقانی، مقیاس الهدایة، ۱۱۵/۱.

۲۷. طوسی، الغیبة، ۱۷۳.

۲۸. مامقانی، مقیاس الهدایة، ۱۱۵/۱.

۲۹. ابن بابویه، الأملی، ۷.

۳۰. محقق حلی، المسلك فی أصول الدین، ۱۲۸.

۳۱. علامه حلی، أنوار الملکوت، ۱۸۶.

همچنین، محقق لاهیجی در بحث معجزات غیرقرآنی پیامبر(ص) تصریح می‌کند که هرچند هریک از آنها با خبر واحد نقل شده و هیچ‌کدام به حد تواتر نرسیده است، ولی وقوع معجزه از سوی پیامبر(ص) در کنار ادعای پیامبری آن حضرت، از تواتر معنوی برخوردار است.^{۳۲}

۱.۳.۳. متواتر اجمالی

برخی اصولیان متأخر، قسم سوم را به اقسام خبر متواتر افزوده‌اند که از آن با عنوان متواتر اجمالی یاد می‌کنند.^{۳۳} برای متواتر اجمالی تعاریف متعددی ارائه شده است که می‌توان آن‌ها را در سه محور خلاصه کرد: هماهنگی در مدلول تضمینی و التزامی، حصول علم به صدور یک روایت نامعین، و هماهنگی در قدر متیقن.^{۳۴}

هرچند اصطلاح «متواتر اجمالی» به صورت صریح در متون کلامی امامیه به کار نرفته است، اما تعریف نخست آن بر محور هماهنگی در مدلول تضمینی و التزامی، کاربرد فراوانی دارد. براین اساس می‌توانیم متواتر اجمالی را از متواتر معنوی متمایز کنیم؛ بدین معنا که اگر وجه اشتراک متواتر لفظی و متواتر معنوی، هماهنگی در مدلول مطابقی دانسته شود، و وجه افتراق آن دو، هماهنگی در لفظ باشد که در متواتر لفظی وجود دارد و در متواتر معنوی مفقود است، در این صورت متواتر اجمالی ناظر به هماهنگی در مدلول تضمینی و التزامی خواهد بود. بر این اساس، می‌توان گفت احادیثی مانند حدیث غدیر، حدیث منزلت و حدیث ثقلین که تمام عبارات آن‌ها در همه نقل‌ها عیناً یکسان نیست ولی همگی از یک مفاد واحد حکایت می‌کنند، از نوع متواتر معنوی هستند؛ در حالی که نصوص مربوط به امامت امیرالمؤمنین(ع) یا غیبت حضرت مهدی(ع) که هر کدام مدلول متفاوتی دارند، دارای تواتر اجمالی‌اند. البته متکلمان در مواردی همین قسم را نیز متواتر معنوی نامیده‌اند که در این صورت، متواتر معنوی باید به دو قسم تقسیم شود: هماهنگی در مدلول مطابقی و هماهنگی در مدلول تضمینی و التزامی.

برای نمونه، تواتر فتح باب قلعه خیبر توسط امیرالمؤمنین(ع) که مجموعه‌ای از روایات با یک مضمون واحد است، از نوع هماهنگی در مدلول مطابقی به شمار می‌آید؛ در حالی که اصل شجاعت آن حضرت که مدلول التزامی مجموعه‌ای از روایات با مضامین گوناگون است، از نوع هماهنگی در مدلول تضمینی و التزامی محسوب می‌شود.

برخی عبارات متکلمان در استناد به تواتر روایات با هماهنگی در مدلول مطابقی سازگار است؛ آنجا که از تواتر یک حدیث خاص سخن می‌گویند. برای مثال، خواجه نصیرالدین طوسی (۶۷۲ق) هم حدیث غدیر و هم حدیث منزلت را متواتر می‌داند، بی‌آنکه به تواتر لفظی آن تصریح کند: «و لحدیث الغدير المتواتر»^{۳۵} و «و لحدیث المنزلة المتواتر»^{۳۶}. همچنین علامه حلی فتح باب خیبر را متواتر می‌شمارد: «فلما تواتر عنه أنه فتح باب خیبر»^{۳۷}. در مقابل، برخی عبارات دیگر با هماهنگی در مدلول تضمینی و التزامی سازگار است؛ آنجا که از تواتر یک مضمون کلی در مجموعه‌ای از اخبار گوناگون سخن گفته می‌شود.

برای نمونه، خواجه نصیرالدین طوسی در مقام تأیید نبوت، از تواتر معنوی معجزات پیامبر(ص) یاد می‌کند و می‌گوید: «و المنقول معناه متواتراً من المعجزات يعضده»^{۳۸}.

۳۲. لاهیجی، سرمایه ایمان، ۱۰۰.

۳۳. نک: آخوند خراسانی، کفایة الاصول، ۳۰۲؛ نائینی، أجود التقريرات، ۱۱۳/۲.

۳۴. نک: حسینی زیدی، «واکاوی تواتر اجمالی و گستره دلالت آن»، ۶۴-۶۶.

۳۵. علامه حلی، کشف المراد، ۳۶۹.

۳۶. علامه حلی، کشف المراد، ۳۶۹.

۳۷. علامه حلی، کشف المراد، ۳۷۱.

۳۸. علامه حلی، کشف المراد، ۳۵۵.

همچنین علامه حلّی در بیان منزلت معنوی امیرالمؤمنین(ع)، از تواتر مضمون کلی سیادت و مرجعیت ایشان در زهد و سلوک در میان نقل‌های مختلف یاد کرده و تصریح می‌کند: «ما نقل بالتواتر عنه أنّه ع كان سيد الأبدال و إليه تشدّ الرحال في معرفة الزهد و التسليك فيه»^{۳۹}

۱. ۳. ۴. فراتر از تواتر

در برخی از متون کلامی، به اخباری استناد شده که آنها را فراتر از حد تواتر دانسته‌اند. برای نمونه محقق حلّی می‌گوید: نصّ نبوی بر امامت امیرالمؤمنین(ع) نه فقط به حدّ تواتر رسیده، بلکه از آن هم فراتر رفته است؛ زیرا امامیه الفاظ صریح و متعددی را نقل کرده‌اند که باوجود تفاوت در تعبیر، همگی بر امامت علی بن ابیطالب(ع) اتفاق دارند و این نقل‌ها از حیث تعدد طرق و کثرت راویان به میزانی رسیده که بیش از مقدار لازم برای تحقق تواتر است.^{۴۰} علامه مجلسی نیز «حدیث طیر» را که از جمله فضائل و ویژه امیرالمؤمنین(ع) است، فوق حد تواتر می‌داند.^{۴۱} شیخ حرّ عاملی نیز ابتدای کتاب إثبات الهداة بالنصوص و المعجزات که برای جمع‌آوری اخبار نصوص و معجزات امامان تألیف نموده بیان می‌کند. به بیان او این اخبار برای کسی که اهل تتبع باشد، نه تنها متواتر است، بلکه از حدّ تواتر لفظی و معنوی هم تجاوز کرده است.^{۴۲}

۲. گستره استناد به تواتر در متون کلامی امامیه

متکلمان امامیه در تبیین مسائل اعتقادی از هر دو شیوه استدلال عقلی و نقلی بهره می‌برند. باین حال، برخی از مباحث کلامی که به اصول اعتقادی مربوط می‌شوند، همچون اصل وجود خداوند، یگانگی او، ضرورت بعثت پیامبران و عصمت آنان، ماهیتی صرفاً عقلی دارند؛ زیرا در این گونه مباحث، به سبب محذور دور منطقی، امکان استناد مستقیم به نقل وجود ندارد. بدین معنا که اعتبار نقل، خود مبتنی بر پذیرش مقدمات عقلی‌ای مانند اثبات وجود خدا و نبوت و ضرورت عصمت است که هنوز در مقام اثبات قرار دارند، ازاین‌رو استدلال نقلی در این موارد صرفاً ارشاد و تذکر به حکم عقل است. طبیعی است در مواردی که استناد به نقل ممکن و معقول باشد، دلیل نقلی قطعی نزد تمامی فرق و مکاتب کلامی معتبر شمرده می‌شود، و بارزترین مصداق آن حدیث متواتر است؛ حدیثی که به دلیل کثرت ناقلان آن، افاده علم یقینی می‌کند. هرچند در مباحث کلامی، تواتر غالباً به صورت تواتر معنوی تحقق می‌یابد و نه لفظی، اما در هر حال هر مضمونی که از تواتر در نقل برخوردار باشد، می‌تواند به عنوان دلیل قطعی در استدلال‌های اعتقادی مورد استناد قرار گیرد. افزون بر این، در برخی موارد، خبر متواتر در کنار دلایل عقلی یا نصوص قرآنی مطرح می‌شود و نقش شاهد و مؤید بر صحت دیگر ادله را ایفا می‌کند.

هرچند به طور معمول استناد به خبر متواتر بیش‌تر در زمینه اثبات امامت امیرالمؤمنین(ع) مورد توجه قرار گرفته است، با نگاهی جامع‌تر به آثار کلامی امامیه روشن می‌شود که متکلمان این مکتب در حوزه‌ای بسیار گسترده‌تر از خبر متواتر بهره برده و به آن استدلال یا استشهاد کرده‌اند. در ادامه، گستره و نمونه‌های این کاربرد در متون کلامی امامیه بررسی خواهد شد.

۳۹. علامه حلّی، کشف المراد، ۳۸۶.

۴۰. «أما أنّه - عليه السلام - نصّ على عليّ - عليه السلام - فلاّن الإماميّة نقلت من صريح الألفاظ ما اتّفق معناها على النصّ عليه نقلاً يزيد عن عدد التواتر.» محقق حلّی، المسلك في أصول الدين، ۲۲۱.

۴۱. مجلسی، حق‌الیقین، ۱/۱۲۱.

۴۲. «هذا كتاب إثبات الهداة بالنصوص و المعجزات... و قد تجاوزت حد التواتر عند صاحب التبع و البصيرة... و كل من تأمل ما فيه تبين فساد معارضه بل عدم وجود منافيه، و يتقن أن مضامينه تجاوزت حد التواتر اللفظي و المعنوي فلا ينكرها إلا متعصب غوي و لا يشك فيها إلا بليد غبي.» حر عاملی، إثبات الهداة، ۱/۲۷.

۲.۱. خداشناسی

هرچند مباحث خداشناسی در کلام اسلامی، به طور غالب و بنیادین، عقل محور تلقی می شوند و اثبات اصولی همچون وجود و یگانگی خداوند، صرفاً بر پایه استدلال های عقلی صورت می گیرد، اما در پاره ای از مسائل الهیاتی که محل اختلاف میان فرق و مکاتب کلامی بوده اند، شماری از متکلمان امامیه از حدیث متواتر نیز به عنوان دلیل یا مؤید استفاده کرده اند.

این قبیل استنادها نه از سر جایگزینی نقل به جای عقل، بلکه با هدف تقویت و تأیید نتایج عقلی و نشان دادن هماهنگی مبانی امامیه با قرآن و سنت معصومان (ع) صورت گرفته است.

از جمله این مباحث اختلافی، دو مسئله مهم نفی رؤیت بصری خداوند و نفی جبر است که در آثار کلامی امامیه، گاه با تصریح به تواتر روایات اهل بیت (ع) همراه شده اند.

۲.۱.۱. نفی رؤیت بصری

شیخ مفید - که این مسئله را در آثار متعدد کلامی خود پی گرفته - در تبیین دیدگاه امامیه درباره امتناع رؤیت بصری خداوند، علاوه بر استدلال عقلی و استناد قرآنی، به تواتر روایات منقول از ائمه اهل بیت (ع) تصریح می کند و بدین سان، موضع کلامی امامیه را دارای پشتوانه نقلی قطعی معرفی می نماید: «و أقول إنه لا یصح رؤية الباری سبحانه بالأبصار و بذلك شهد العقل و نطق القرآن و تواتر الخبر عن أئمة الهدی من آل محمد ص و علیه جمهور أهل الإمامة و عامة متکلمیهم إلا من شذ منهم لشبهة عرضت له فی تأویل الأخبار»^{۴۳}

در این عبارت، شیخ مفید نفی رؤیت بصری را نتیجه هم افزایی سه منبع معرفتی می داند: عقل، قرآن و خبر متواتر از ائمه (ع)، و تصریح می کند که این دیدگاه، نظر غالب امامیه و متکلمان آنان است و مخالفت های اندک نیز ناشی از شبهات در تأویل برخی اخبار است.

۲.۱.۲. نفی جبر

مسئله جبر و اختیار نیز از دیگر موضوعات اختلافی کلامی است که شیخ مفید در آن، ضمن تکیه بر عدل الهی، به تواتر نقل از اهل بیت (ع) اشاره می کند. وی نفی جبر را لازمه نفی ظلم از ساحت الهی دانسته و آن را مورد اتفاق جمهور امامیه می شمارد: «و تعالی عن اضطرارهم إلى الأعمال لا یعذب أحدا إلا علی ذنب فعله و لا یلوم عبداً إلا علی قبیح صنعه لا یظلم مثقال ذرة و إن تك حسنة یضاعفها و یؤت من لدنه أجراً عظیماً. و علی هذا القول جمهور أهل الإمامة و به تواترت الآثار عن آل محمد (ص)»^{۴۴}

در این گزارش، تواتر آثار اهل بیت (ع) به عنوان پشتوانه نقلی دیدگاه امامیه درباره نفی جبر و اثبات عدل الهی معرفی شده است.

۲.۲. پیامبرشناسی

پس از اثبات اصل نبوت به عنوان یک اصل عقلی، بسیاری از مباحث پیامبرشناسی در قلمرو مسائل نقلی قرار می گیرند؛ مسائلی که از طریق گزارش های تاریخی و روایی تثبیت می شوند. در این حوزه، متکلمان امامیه به اخبار متواتر یا مضامین متواتر توجه ویژه ای نشان داده اند.

۲.۲.۱. عصمت پیامبران

علامه مجلسی درباره عصمت پیامبران آورده است: «نصوص متواتر وارد است بر آنکه جمیع انبیاء از اول عمر تا آخر عمر معصومند از گناهان صغیره و کبیره عمداً و سهواً»^{۴۵}

۴۳. مفید، سلسله مؤلفات الشیخ المفید (اوائل المقالات)، ۵۷/۴.

۴۴. مفید، سلسله مؤلفات الشیخ المفید (اوائل المقالات)، ۵۷/۴.

۴۵. مجلسی، حق یقین، ۱۸/۱.

۲.۲.۱. معجزات غیرقرآنی پیامبر اکرم(ص)

شیخ صدوق بر تواتر معجزات غیرقرآنی نبوی صحه می‌گذارد و آن را با تواتر اخبار غیبت امام زمان (عج) هم‌سنگ می‌داند: «قال الجدلي و ما كنت أحسب أن امرءاً مسلماً تسمح نفسه بأن يجعل الأخبار عن آيات رسول الله صلى الله عليه وآله عروضاً للأخبار في غيبة ابن الحسن ... و يدعي تكافؤ التواتر فيهما و الله المستعان فيقال له إنا قد بينا الوجه الذي من أجله ادعينا التساوي في هذا الباب.»^{۴۶}

شیخ طوسی نیز اکثر معجزات پیامبر(ص) را متواتر می‌داند: «و اکثر هذه المعجزات وقع بحضرة الجمع الكثير ثم تواتر النقل به.»^{۴۷} در همین راستا، محقق حلی نیز با نفی آحاد بودن این گزارش‌ها، بر تواتر بخشی از معجزات پیامبر تصریح می‌کند: «لا يقال: هذه أخبار آحاد فلا يحتج بها في الأمور اليقينية لأننا نقول: لا نسلم أنها من قبيل أخبار الآحاد، بل منها المتواتر.»^{۴۸} خواجه نصیرالدین طوسی در تبیین نبوت، افزون بر دلیل قرآنی، به نقل متواتر معنایی معجزات پیامبر نیز استناد می‌کند: «و المنقول معناه متواتراً من المعجزات يعضده.»^{۴۹} علامه حلی نیز در شرح کلام خواجه، بر تواتر این اخبار تصریح می‌کند.^{۵۰} علامه در آثار دیگر خود نیز با اشاره به برخی از معجزات مشهور نبوی، بر تواتر معنوی این معجزات تأکید می‌کند: «و قد يستدلّ بغير ذلك على نبوته (ص) من ظهور الآيات كانشقاق القمر و نبوغ الماء بين أصابعه و تسبيح الحصى في كفه، و جنين الجذع، و غير ذلك من المعجزات المشهورة و إن كانت منقولة بالآحاد إلا أنها متواترة في المعنى.»^{۵۱} ابن میثم، فاضل مقداد و علامه مجلسی نیز بر تواتر معنوی معجزات نبوی تأکید می‌کنند.^{۵۲}

۲.۲.۲. معراج جسمانی پیامبر(ص)

ابن براج (۴۸۱ق) در بحث معراج، به صراحت بر جسمانی بودن آن و تواتر اخبار دالّ بر این معنا تأکید می‌کند: «معراج الرسول بالجسم العنصري علانية في غير منام، حق، و الاخبار عليه بالتواتر ناطقة، صريحة.»^{۵۳} علامه مجلسی نیز تأکید می‌کند که معراج پیامبر(ص) در بیداری و با بدن صورت گرفته است.^{۵۴}

۲.۲.۳. اخلاق پیامبر(ص)

علامه حلی، سیره اخلاقی پیامبر اکرم(ص) را امری متواتر و فراتر از گزارش‌های فردی می‌داند: «و محمد عليه السلام من ابتداء نشوه الى آخره لم يزل مواظباً على الأفعال الحسنة و الأخلاق الجميلة، و بعد ظهور أمره ملازم لعبادة ربه متوجه بكلية إليه تاركاً للدنيا يدعو الناس الى ذلك و يجتهد في دخولهم تحت طاعة مولاها، و هو متواتر عنه عليه السلام»^{۵۵}

۲.۲.۴. عصمت پیامبر(ص)

۴۶. ابن بابویه، کمال الدین، ۸۴/۱.

۴۷. طوسی، تمهید الأصول، ۳۴۶.

۴۸. محقق حلی، المسلك في أصول الدين، ۱۸۰.

۴۹. علامه حلی، کشف المراد، ۳۵۵.

۵۰. همان.

۵۱. علامه حلی، أنوار الملكوت، ۱۸۶ و نیز نک: علامه حلی، مناهج اليقين، ۴۱۱.

۵۲. ابن میثم، قواعد المرام، ۱۳۰؛ فاضل مقداد، اللوامع الإلهية، ۲۹۰؛ مجلسی، حق اليقين، ۲۲/۱.

۵۳. ابن براج، جواهر الفقه (الرسالة العقائد الجعفرية)، ۲۴۸.

۵۴. مجلسی، حق اليقين، ۳۰/۱.

۵۵. علامه حلی، مناهج اليقين، ۴۱۱.

شیخ مفید، عصمت پیامبر اکرم (ص) را نه تنها مستند به قرآن، بلکه مبتنی بر تواتر نقل از اهل بیت (ع) می‌داند: «و أقول إن نبينا محمداً ص ممن لم يعص الله عز وجل منذ خلقه الله عز وجل إلى أن قبضه ولا تعد له خلافاً ولا أذن ذنباً على التعمد ولا النسيان و بذلك نطق القرآن و تواتر الخبر عن آل محمد (ع)».^{۵۶}

۲. ۳. امام شناسی

مبحث امامت، به واسطه پیوند عمیق با سلسله ولایت و حیات سیاسی و اجتماعی مسلمانان، همواره در کلام شیعه جایگاهی محوری و بی‌بدیل داشته است. این جایگاه تا بدان حد است که برخی از متکلمان امامیه، امامت را نه از اصول دین که از اصول مذهب می‌دانند. از آنجاکه اثبات امامت، برخلاف توحید و نبوت، عمدتاً بر پایه دلایل عقلی محض نیست و نیازمند بررسی شواهد تاریخی و نقلی است، تواتر اخبار در این حوزه نقشی بنیادین و تعیین کننده ایفا کرده است. در واقع، متکلمان امامیه با استناد به تواتر، تلاش کرده‌اند تا نص بر امامت ائمه دوازده گانه را در برابر انکار مخالفان به اثبات رسانند.

۲. ۳. ۱. اصل امامت امیرالمؤمنین (ع)

شیعه بر این باور است که امامت امیرالمؤمنین علی (ع)، پس از رسول اکرم (ص)، امری انتصابی و منصوب بوده است. این مدعا، از سوی متکلمان امامیه با تکیه بر تواتر اثبات می‌شود.

سید رضی در این باره آورده است: «و جم غفیر من أهل بیت النبی علیهم السلام و ذویه و أصحابه و موالیه یقولون نقلاً متصلاً متواتراً أن النبی صلی الله علیه و آله قد استخلف امیر المؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام علی أئمة بعد وفاته و نص علیه و فرض طاعته فی أمر الدین کله و أن النبی صلی الله علیه و آله فعل ذلك ظاهراً مکشوفاً فوجب قبول هذا الخبر علماً و یقیناً».^{۵۷}

شیخ طوسی نیز در استدلال بر امامت امیرالمؤمنین (ع)، به تواتر نقلی در شیعه اشاره می‌کند.^{۵۸}

همچنین محقق حلی بر این نص صریح و آشکار از پیامبر اکرم (ص) تأکید می‌ورزد که توسط امامیه به صورت متواتر نقل شده است:

«أن الإمامية نقلت نقلاً متواتراً عن النبي - عليه السلام - أنه نص على علي - عليه السلام - بالإمامة نصّاً جليّاً».^{۵۹}

علامه حلی نیز در آثار گوناگون خود، این تواتر را به عنوان یکی از دلایل قاطع امامت علی (ع) مطرح می‌کند. ایشان در کشف المراد ضمن شرح کلام خواجه نصیر، به نص جلی و متواتر نبوی اشاره دارد: «أقول: هذا دليل ثان على أن الإمام هو علي (ع) و هو النص الجلي من رسول الله (ص) في مواضع تواترت بها الإمامية و نقلها غيرهم نقلاً شائعاً ذائعاً».^{۶۰}

فاضل مقداد نیز بر تواتر لفظی و معنوی نصوص امامت امیرالمؤمنین (ع) تأکید می‌کند.^{۶۱}

۲. ۳. ۲. نصوص خاص امامت

متکلمان امامیه در اثبات امامت، علاوه بر استناد به تواتر کلی نصوص، به برخی احادیث خاص که خود به تنهایی یا با انضمام قرائن دیگر به حد تواتر (گاه تواتر لفظی و غالباً تواتر معنوی) رسیده‌اند، توجه ویژه‌ای داشته‌اند. این روش، نوعی انبوه‌سازی شواهد نقلی است که در مجموع، علم آور بودن مضمون امامت را برای محقق تضمین می‌کند. در میان این نصوص، احادیث غدیر و منزلت جایگاه برجسته‌تری دارند.

۲. ۳. ۲. ۱. حدیث غدیر

۵۶. مفید، سلسله مؤلفات الشیخ المفید (اوائل المقالات)، ۶۲/۴.

۵۷. شریف الرضی، خصائص الأئمة علیهم السلام، ۴۱.

۵۸. طوسی، الاقتصاد، ۳۲۵.

۵۹. محقق حلی، المسلك فی أصول الدین، ۲۲۱.

۶۰. علامه حلی، کشف المراد، ۳۶۷.

۶۱. فاضل مقداد، اللوامع الإلهية، ۳۳۵.

حدیث غدیر، یکی از محکم‌ترین دلایل نقلی بر امامت بلافضل امیرالمؤمنین علی (ع) است. متکلمان امامیه، تواتر این حدیث را مورد تصریح قرار داده‌اند.

سید مرتضی در کتاب الذخیره و نیز الشافی، به صراحت از تواتر این خبر توسط شیعه خبر می‌دهد.^{۶۲}

خواجه نصیرالدین طوسی نیز در تجرید الاعتقاد، حدیث غدیر را از جمله ادله امامت و متواتر می‌داند.^{۶۳}

علامه حلی نیز در شرح خود به نقل متواتر این حدیث توسط مسلمانان اشاره می‌کند.^{۶۴}

همچنین فاضل مقداد در بیان دلایل امامت امیرالمؤمنین، خبر غدیر را به عنوان دلیل چهارم و متواتر ذکر می‌کند: «الرابع من دلائل إمامته عليه السلام: خبر [يوم] الغدير، وهو أن الرواة نقلوا نقلاً متواتراً أن النبي صلى الله عليه وآله لما رجع من حجة الوداع وصل إلى موضع يقال له غدیر خم...»^{۶۵}

مقدس اردبیلی، فیض کاشانی و علامه مجلسی نیز به تواتر حدیث غدیر تصریح می‌کنند.^{۶۶}

۲. ۲. ۳. ۲. حدیث منزلت

حدیث منزلت نیز از جمله نصوصی است که خواجه نصیرالدین طوسی، علامه حلی، فاضل مقداد و علامه مجلسی آن را متواتر دانسته‌اند.^{۶۷}

۲. ۲. ۳. ۲. حدیث طیر

حدیث طیر نیز از احادیث معروفی است که مورد استناد متکلمان امامیه برای اثبات امامت امیرمومنان (ع) قرار گرفته است. علامه حلی شهرت و شیوع این حدیث را میان صحابه تا حدی می‌داند که کسی منکر آن نشده و لذا می‌توان آن را متواتر قلمداد کرد: «ادعی أبو عبد الله شهرة هذا الحديث و ظهوره بين الصحابة و لم ينكره أحد منهم فيكون متواتراً»^{۶۸}

فاضل مقداد نیز پس از اشاره به حدیث طیر می‌گوید: «والخبر مشهور متواتر»^{۶۹}

علامه مجلسی طرق این حدیث را فوق حد تواتر می‌داند.^{۷۰}

شیخ مفید حتی اخبار احتجاج امیرالمؤمنین (ع) به حدیث طیر را متواتر می‌داند: «التواتر قد ورد بأن أمير المؤمنين ع احتجَّ به في مناقبه»^{۷۱}

۲. ۲. ۳. ۲. حدیث استخلاف

از دیگر احادیث مشهوری که مورد استناد متکلمان شیعه است، حدیث استخلاف است که در آن به نقل از پیامبر اکرم (ص) خطاب به امام علی (ع) آمده است: «أنت أخي و وصيي و خليفتي...» سید مرتضی به تواتر این حدیث تصریح کرده است: «ان هذا الخبر الذي يتضمن ذكر الاستخلاف قد تواتر النقل به»^{۷۲}

۶۲. «فالشبهة الامامية تتواتر خلفا عن سلف بهذا الخبر» علم الهدی، الذخیره، ۴۴۲؛ «فان الشيعة قاطبة تنقله و تتواتر به» علم الهدی، الشافی، ۲۶۲/۲.

۶۳. علامه حلی، کشف المراد، ۳۶۹.

۶۴. همان.

۶۵. فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، ۳۴۶.

۶۶. مقدس اردبیلی، اصول دین، ۸۹؛ فیض کاشانی، علم البقین، ۸۲۰/۲؛ مجلسی، حق البقین، ۹۴/۱.

۶۷. علامه حلی، کشف المراد، ۳۶۹؛ فاضل مقداد، اللوامع الإلهية، ۳۳۹؛ مجلسی، حق البقین، ۱۱۵/۱.

۶۸. علامه حلی، کشف المراد، ۳۹۳.

۶۹. فاضل مقداد، اللوامع الإلهية، ۳۸۳.

۷۰. مجلسی، حق البقین، ۱۲۱/۱.

۷۱. مفید، سلسله مؤلفات الشیخ المفید (الفصول المختارة)، ۹۶/۲.

۷۲. علم الهدی، الشافی، ۷۹/۳.

فاضل مقداد نیز با اشاره به این حدیث، آن را نمونه‌ای از نصوص متواتر لفظی و معنوی امامت امیرالمومنین(ع) می‌داند.^{۷۳}

۲. ۳. ۵. حدیث یوم الدار

ماجرای یوم الدار و دعوت پیامبر(ص) از خویشاوندان در ابتدای علنی ساختن رسالت خویش و تصریح به وزارت و وصایت حضرت علی(ع) که به حدیث یوم الدار معروف است، یکی دیگر از ادله امامت نزد شیعیان است.

ابوالصلاح حلبی (۴۴۷ق) به تواتر این حدیث تصریح کرده است.^{۷۴}

۲. ۳. ۶. شأن نزول آیه ولایت

روایات متعددی دلالت بر نزول آیه ولایت (مانده: ۵۵) در شأن امیرالمومنین(ع) دارد. ابوالصلاح حلبی این روایات را در حد تواتر می‌داند.^{۷۵}

۲. ۳. ۷. لقب «امیرالمؤمنین»

ابوالصلاح حلبی روایات اعطای لقب «امیرالمؤمنین» به حضرت علی(ع) از جانب پیامبر را متواتر می‌داند.^{۷۶}

۲. ۳. ۳. علم امام علی(ع)

علامه حلی در تبیین فضائل و جایگاه علمی امیرالمؤمنین(ع)، به احادیث متواتری اشاره دارد که بر برتری علمی ایشان دلالت دارند: «و قد أورد المخالف والمؤلف الأخبار الدالة على فضله، و كمال منزلته في العلم عن النبي(ص) في قوله(ص): «انا مدينة العلم و عليّ بابها» و قوله(ص): «أقضاكم عليّ عليه السلام» و قوله «الحقّ مع عليّ و عليّ مع الحقّ يدور حيث ما دار»؛ و غير ذلك من الأحاديث المشهورة، و الأخبار المتواترة.»^{۷۷}

۲. ۳. ۴. زهد و معنویت امام

علامه حلی، زهد و معنویت امیرالمؤمنین(ع) را نیز از اموری می‌داند که به تواتر نقل شده‌اند: «ما نقل بالتواتر عنه أنه عليه السلام كان سيد الأبدال و إليه تشد الرحال في معرفة الزهد و التسليك فيه.»^{۷۸}

۲. ۳. ۵. مستجاب الدعوه بودن امام

صفت مستجاب الدعوه بودن امیرالمؤمنین(ع) نیز از منظر علامه حلی، امری متواتر است.^{۷۹}

۲. ۳. ۶. جهاد امام

مقدس اردبیلی و علامه مجلسی، جهاد و سلحشوری امام علی(ع) را از متواترات می‌دانند.^{۸۰}

۲. ۳. ۷. قلع باب خيبر توسط امام

واقعه فتح خيبر و کندن درب قلعه توسط امیرالمؤمنین(ع)، از معجزات و فضائل بی‌نظیر ایشان است که علامه حلی آن را متواتر می‌داند.^{۸۱}

۷۳. فاضل مقداد، اللوامع الإلهية، ۳۳۵.

۷۴. ابوالصلاح حلبی، تقریب المعارف، ۱۹۳.

۷۵. همان، ۱۸۷.

۷۶. همان، ۱۹۳.

۷۷. علامه حلی، أنوار الملکوت، ۲۱۲.

۷۸. علامه حلی، کشف المراد، ۳۸۶.

۷۹. علامه حلی، کشف المراد، ۳۹۱.

۸۰. مقدس اردبیلی، اصول دین، ۱۴۱؛ مجلسی، حق الیقین، ۱۴۲/۱.

۸۱. علامه حلی، کشف المراد، ۳۷۱.

۲. ۳. ۸. فضائل گوناگون امام

اربلی اخبار فضائل امام علی (ع) را چنان انبوه می‌داند که تواتر معنوی را محقق می‌کند: «فالجواب عن ذلك إنا معاشر الشيعة ننقل ما نقله في فضائله من طرق أصحابنا وإجماعهم... ثم إن هذه الأخبار قد يحصل المجموع ما جاءوا به معنى التواتر».^{۸۲} علامه مجلسی علاوه بر آنچه به طور جداگانه اشاره شد، فضائل دیگری از امیرالمومنین (ع) را نیز از متواترات می‌داند: شأن نزول آیه «من الناس من يشري نفسه» (بقره: ۲۰۷)،^{۸۳} حدیث نبوی «أنا مدينة العلم و علي بابها»،^{۸۴} حدیث نبوی «من أذاك فقد أذاني»،^{۸۵} حدیث نبوی «سلمك سلمي و حربي حربي»،^{۸۶} اولین مومن به پیامبر (ص) بودن،^{۸۷} سد ابواب به جز خانه علی (ع)،^{۸۸} شکستن بت‌های کعبه توسط امام،^{۸۹} برادری با پیامبر (ص)،^{۹۰} صدیق امت،^{۹۱} صاحب عصا و میسم^{۹۲} و مؤذن روز قیامت.^{۹۳}

۲. ۳. ۹. شکایت امام از غضب حقشان

متکلمان امامیه، برای اثبات این مطلب که امیرالمومنین (ع) خلافت پس از پیامبر (ص) را حق خویش می‌دانسته، به شکایت آن حضرت از غضب حقشان اشاره کرده‌اند. فاضل مقداد، فیض کاشانی و علامه مجلسی، شکایت امام را متواتر دانسته‌اند.^{۹۴}

۲. ۳. ۱۰. امامت امامان دوازده‌گانه

با اثبات اصل امامت امیرالمومنین (ع)، نوبت به اثبات امامت دیگر ائمه معصوم می‌رسد. در کلام امامیه، این مسئله نیز به شدت بر نصوص و اخبار متواتر تکیه دارد که هم به تعداد ائمه اشاره دارد و هم به نام‌گذاری هر امام توسط امام پیشین و یا پیامبر اکرم (ص).

۲. ۳. ۱۰. ۱. تعداد امامان

خواجه نصیرالدین طوسی، یازده امام پس از امیرالمومنین (ع) را با استناد به نقل متواتر اثبات می‌کند: «قال: و النقل المتواتر دل علی الأحد عشر».^{۹۵}

مقدس اردبیلی نیز به تواتر تعداد امامان پس از پیامبر (ص) تصریح می‌کند.^{۹۶}

۲. ۳. ۱۰. ۲. نص بر اسامی امامان

۸۲. اربلی، کشف الخمة، ۴۲۶/۱.

۸۳. مجلسی، حق الیقین، ۶۱/۱.

۸۴. همان، ۷۹/۱.

۸۵. همان، ۱۹۱/۱.

۸۶. همان، ۲۱۴/۱.

۸۷. همان، ۵۷/۱.

۸۸. همان، ۱۳۲/۱.

۸۹. همان، ۱۳۳/۱.

۹۰. همان، ۱۳۱/۱.

۹۱. همان، ۵۹/۱.

۹۲. همان، ۳۳۶/۲.

۹۳. همان، ۵۱۱/۲.

۹۴. فاضل مقداد، اللوامع الإلهية، ۳۵۶؛ فیض کاشانی، علم الیقین، ۸۷۷/۲؛ مجلسی، حق الیقین، ۱۳۶/۱.

۹۵. علامه حلی، کشف المراد، ۳۹۷.

۹۶. مقدس اردبیلی، اصول دین، ۱۵۶.

محقق حلی به نص متواتر از پیامبر (ص) و ائمه (ع) بر امامان بعدی اشاره می‌کند: «و ثانيها: أن ننقل من النصّ عليه ما روته الإمامية و نقلته نقلا متواترا من كلّ إمام على الذي قبله.»^{۹۷}

علامه حلی در کشف المراد و همچنین در انوار الملکوت، نقل متواتر شیعه از سلف تا خلف را دلیل بر امامت هر یک از ائمه بر اساس تنصيص می‌داند و به نقل مخالفان نیز اشاره می‌کند که گاه به اجمال و گاه به تفصیل، این روایات را ذکر کرده‌اند. از جمله به حدیث متواتر پیامبر درباره امام حسین (ع) استناد می‌کند: «النقل المتواتر من الشيعة خلفا عن سلف فإنه يدل على إمامة كل واحد من هؤلاء بالتنصيص و قد نقل المخالفون ذلك من طرق متعددة تارة على الإجمال و أخرى على التفصيل كما روى عن رسول الله (ص) متواتراً أنه قال للحسين (ع) هذا ابني إمام ابن إمام أخو إمام أبو أئمة تسعة تاسعهم قائمهم و غير ذلك من الأخبار المتواترة.»^{۹۸}

ابن میثم بحرانی نیز نص هر امام بر امام پس از خود را متواتر می‌داند: «(احدهما) نص كل منهم على من بعده، و ذلك مما تواترت به اخبار الإمامية الاثني عشرية خلفا عن سلف.»^{۹۹}

همچنین فاضل مقداد تأکید دارد که امامت ائمه دوازده‌گانه به ترتیب ذکر شده، به حد تواتر رسیده است.^{۱۰۰}

مقدس اردبیلی، فیض کاشانی و علامه مجلسی نیز به این تواتر اشاره کرده‌اند.^{۱۰۱}

۲. ۳. ۱۰. ۳. معجزات و کرامات امامان

معجزات و کرامات ائمه معصومین (ع)، دلیل دیگری بر حقانیت امامت ایشان است که توسط متکلمان امامیه به عنوان امری متواتر مورد استناد قرار گرفته است.

علامه حلی در این زمینه، به اخبار متواتره از امیرالمؤمنین (ع) و دیگر ائمه (ع) اشاره می‌کند: «و استدل المصنف - رحمه الله - بقصة مريم فإنها تدل على ظهور معجزات عليها و غيرها مثل قصة آصف و كالأخبار المتواترة المنقولة عن علي عليه السلام و غيره من الأئمة.»^{۱۰۲}

فاضل مقداد نیز مشابه همین عبارت علامه حلی را برای کرامات امامان دارد.^{۱۰۳}

ابن میثم بحرانی نیز کرامات ظاهر شده بر دستان ائمه را متواتر می‌داند: «فأما معرفة عين كل واحد منهم في زمانه فبآيات و بكرامات تظهر على يديه و تواترت به اخبار خواصهم و شيعتهم، و هي مسطورة في كتب الآثار عن الأئمة الاطهار من رامها طالعها من مظانها.»^{۱۰۴}

علامه مجلسی معجزات امامان را علاوه بر شیعیان در میان اهل سنت نیز متواتر می‌داند.^{۱۰۵}

شیخ حر عاملی، مجموعه نصوص و معجزات ائمه را فراتر از حد تواتر می‌داند: «هذا كتاب إثبات الهداة بالنصوص و المعجزات... و قد تجاوزت حد التواتر عند صاحب التتبع و البصيرة.»^{۱۰۶}

۲. ۳. ۱۰. ۴. عصمت امامان

۹۷. محقق حلی، المسلك في أصول الدين، ۲۷۲.

۹۸. علامه حلی، کشف المراد، ۳۹۷؛ علامه حلی، أنوار الملکوت، ۲۲۹.

۹۹. ابن میثم، قواعد المرام، ۱۹۰.

۱۰۰. علامه حلی، الباب الحادي عشر، ۲۰۴؛ فاضل مقداد، اللوامع الإلهية، ۳۴۵.

۱۰۱. مقدس اردبیلی، أصول دين، ۱۶۱؛ فیض کاشانی، علم اليقين، ۵۵۰/۱؛ مجلسی، حق اليقين، ۲۸۳/۱.

۱۰۲. علامه حلی، کشف المراد، ۳۷۱.

۱۰۳. فاضل مقداد، اللوامع الإلهية، ۲۸۲.

۱۰۴. ابن میثم، قواعد المرام، ۱۹۰.

۱۰۵. مجلسی، حق اليقين، ۲۸۳/۱.

۱۰۶. حر عاملی، إثبات الهداة، ۲۷/۱.

علامه مجلسی عصمت امامان را از ابتدا تا انتهای عمر و از هر گونه گناه کبیره و صغیره، مضمون روایات متواتر می‌داند.^{۱۰۷}

۲. ۳. ۱۰. ۵. فضائل امامان

برخی متکلمان امامیه، پاره‌ای از فضائل امامان را نیز متواتر دانسته‌اند.

مقدس اردبیلی و علامه مجلسی، نزول آیه تطهیر (احزاب: ۳۳) در شأن پنج تن آل عبا^{۱۰۸} و نیز حدیث ثقلین^{۱۰۹} را که دلالت بر عصمت و حجیت سنت عترت دارد را از متواترات دانسته‌اند.

همچنین علامه مجلسی، نزول آیه مباحله (آل عمران: ۶۱) در شأن اهل بیت (ع)،^{۱۱۰} محبت پیامبر (ص) به امام علی (ع) و حسنین (ع)،^{۱۱۱} حدیث «فاطمة بضعة منی»،^{۱۱۲} حدیث «الحسن و الحسين سيدا شباب أهل الجنة»،^{۱۱۳} افضلیت امامان از انبیای الهی - به جز پیامبر اکرم (ص) -^{۱۱۴} و طهارت اجداد امامان^{۱۱۵} را از اخبار متواتر می‌داند.

۲. ۳. ۱۱. امام مهدی (عج)

مباحث مربوط به امام دوازدهم حضرت مهدی (عج) یا مهدویت، شامل امامت شخص ایشان و غیبت طولانی مدتشان، از مباحث حساس و کلیدی در کلام شیعه است که باتکیه بر اخبار متواتر تبیین می‌شود.

۲. ۳. ۱۱. ۱. امامت شخص امام

ابوالصلاح حلبی، در پاسخ به کسانی که اخبار مربوط به حضرت مهدی (عج) را اخبار آحاد می‌دانند، بر تواتر این اخبار تأکید می‌کند.^{۱۱۶}

شیخ طوسی، اخبار مربوط به امامت حضرت مهدی (ع) را متواتر لفظی و معنوی می‌داند.^{۱۱۷}

محقق حلی، فاضل مقداد، مقدس اردبیلی و علامه مجلسی نیز احادیث وارده در این باب را متواتر دانسته‌اند.^{۱۱۸}

۲. ۳. ۱۱. ۲. غیبت امام

شیخ صدوق اخبار غیبت حضرت حجت بن الحسن (عج) را مانند اخبار معجزات پیامبر (ص) متواتر می‌داند.^{۱۱۹}

فاضل مقداد نیز اخبار مربوط به غیبت حضرت مهدی (عج) را نیز مانند اخبار وجود آن حضرت، متواتر می‌داند.^{۱۲۰}

۲. ۳. ۱۱. ۳. ظهور امام

۱۰۷. مجلسی، حق الیقین، ۴۰/۱.

۱۰۸. مقدس اردبیلی، اصول دین، ۸۶؛ مجلسی، حق الیقین، ۶۴/۱.

۱۰۹. مقدس اردبیلی، اصول دین، ۸۱؛ مجلسی، حق الیقین، ۱۵۷/۱.

۱۱۰. مجلسی، حق الیقین، ۶۸/۱.

۱۱۱. همان، ۹۳/۱.

۱۱۲. همان، ۲۰۶/۱.

۱۱۳. همان، ۲۸۷/۱.

۱۱۴. همان، ۷۰/۱.

۱۱۵. همان، ۳۱/۱.

۱۱۶. ابوالصلاح حلبی، تقریب المعارف، ۴۳۸.

۱۱۷. طوسی، الغیبة، ۱۷۳.

۱۱۸. محقق حلی، المسلك في أصول الدين، ۲۷۶؛ فاضل مقداد، اللوامع الإلهية، ۳۴۶؛ مقدس اردبیلی، اصول دین، ۱۶۱؛ مجلسی، حق الیقین، ۳۳۱/۱.

۱۱۹. ابن بابویه، کمال الدین، ۸۴/۱.

۱۲۰. فاضل مقداد، اللوامع الإلهية، ۳۴۶.

فاضل مقداد به نقل از سید مرتضی، ظهور حضرت مهدی (عج) و پیکار آن حضرت با دشمنان برای اقامه دین را مضمون روایات متواتر در امامیه و فرق دیگر اسلامی می‌داند.^{۱۲۱}

علامه مجلسی نیز علاوه بر تأکید بر تواتر اخبار ظهور آن حضرت،^{۱۲۲} رجعت در هنگام ظهور را نیز از متواترات و انکار آن را موجب خروج از تشیع می‌داند.^{۱۲۳}

۲. ۴. معادشناسی

مباحث مربوط به معاد و حیات پس از مرگ، از جمله مهم‌ترین اصول اعتقادی در اسلام است. در حالی که برخی جنبه‌های معاد با دلایل عقلی و قرآنی اثبات می‌شوند، جزئیاتی نظیر کیفیت وقایع پس از مرگ، بیشتر بر مبنای اخبار نقلی تبیین شده‌اند. در این میان، برخی از متکلمان امامیه، به تواتر برخی از این اخبار جزئی نیز اشاره کرده‌اند.

۲. ۴. ۱. رؤیت پیامبر (ص) و امیرالمؤمنین (ع) توسط محتضر

شیخ مفید، رؤیت پیامبر اکرم (ص) و امیرالمؤمنین (ع) توسط محتضر را از جمله مسائلی می‌داند که مورد اجماع اهل امامت بوده و اخبار آن متواتر است: «القول في رؤية المحتضرين رسول الله (ص) و أمير المؤمنين (ع) عند الوفاة؛ هذا باب قد أجمع عليه أهل الإمامة و تواتر الخبر به عن الصادقين من الأئمة (ع)».^{۱۲۴} علامه مجلسی نیز به تواتر این اخبار تصریح می‌کند.^{۱۲۵}

۲. ۴. ۲. بقای روح پس از جدایی از بدن

علامه مجلسی، بقای روح پس از جدایی از بدن را مضمون آیات و اخبار متواتر می‌داند.^{۱۲۶}

۲. ۴. ۳. سؤال نکیر و منکر

محقق حلی سؤال نکیر و منکر در قبر را از جمله حقایقی می‌داند که اجماعی بوده و اخبار متواتر بر آن دلالت دارند.^{۱۲۷} علامه مجلسی نیز آن را از ضروریات و متواترات می‌داند.^{۱۲۸} وی علاوه بر اصل سؤال، خصوص سؤال از ولایت امیرمؤمنان (ع) را نیز متواتر می‌داند.^{۱۲۹}

۲. ۴. ۴. معاد جسمانی

فاضل مقداد، معاد جسمانی را نقل متواتر از انبیای الهی می‌داند.^{۱۳۰}

علامه مجلسی نیز آن را مفاد صریح آیات و اخبار متواتر و از ضروریات دین اسلام قلمداد نموده است.^{۱۳۱}

۲. ۴. ۵. شفاعت

۱۲۱. همان، ۳۴۷.

۱۲۲. مجلسی، حق یقین، ۲۹۴/۱.

۱۲۳. مجلسی، حق یقین، ۳۵۴/۲.

۱۲۴. مفید، سلسله مؤلفات الشیخ المفید (اوائل المقالات)، ۷۳/۴.

۱۲۵. مجلسی، حق یقین، ۳۸۵/۲.

۱۲۶. همان، ۳۸۸/۲.

۱۲۷. محقق حلی، المسلك في أصول الدين، ۱۳۹.

۱۲۸. مجلسی، حق یقین، ۳۹۲/۲.

۱۲۹. همان، ۳۹۶/۲.

۱۳۰. فاضل مقداد، اللوامع الإلهية، ۴۲۱.

۱۳۱. مجلسی، حق یقین، ۴۶۶/۲.

مفهوم شفاعت و گسترش آن برای گناهکاران، از دیگر مباحث مهم معادشناسی است. محقق حلی، با استناد به حدیث «ادّخرت شفاعتی لأهل الكبائر من أمتي» و اخبار مشابه^{۱۳۲}، تأکید می‌کند که معنای شفاعت برای اسقاط مضار (برداشتن ضرر و عذاب) به حدی از اخبار می‌رسد که به انضمام یکدیگر، متواتر معنوی را تشکیل می‌دهند: «في الاستدلال على أنّ الشفاعة في إسقاط المضارّ قوله عليه السلام: «ادّخرت شفاعتي لأهل الكبائر من أمتي» و ما مائل ذلك من الأخبار الصريحة في إسقاط المضارّ ... و لأنّه نقل في معناه ما بانضمامه يصير معناه متواتراً.»^{۱۳۳}

۲. ۴. ۶. انقطاع عذاب فاسقان

فاضل مقداد در بیان ادله انقطاع عذاب مؤمنان فاسق (مرتکبان گناهان کبیره)، پس از اشاره به ادله عقلی و قرآنی، در بیان ششمین دلیل می‌گوید: «السادس: ورد متواتراً عنه صلى الله عليه وآله أنّه قال: يخرج قوم من النار كالحمم والفتح فيراهم أهل الجنة فيقولون: هؤلاء جهنميون، فيؤمر بهم فيغمسون في عين الحيوان فيخرج أحدهم كالبدور. دليل ششم: از پیامبر (ص) به صورت متواتر نقل شده است که فرمودند: گروهی از آتش بیرون می‌آیند درحالی که مانند سنگ گداخته و زغال هستند. اهل بهشت آن‌ها را می‌بینند و می‌گویند: این‌ها جهنمی هستند. سپس دستور می‌رسد که آن‌ها را در چشمه حیات فروبرند، و پس از آن یکی از آنها مانند ماه کامل بیرون می‌آید.»^{۱۳۴}

۲. ۵. سایر مباحث اعتقادی

کاربرد تواتر در کلام امامیه، تنها به اصول اعتقادی سه‌گانه (توحید، نبوت، امامت) و معاد محدود نمی‌شود؛ بلکه در پاره‌ای از مباحث جزئی‌تر اعتقادی نیز، متکلمان به تواتر اخبار استناد جسته‌اند.

برای مثال، شیخ مفید در تبیین ماهیت ابلیس و اینکه او از جن است نه از ملائکه، علاوه بر استناد قرآنی، به اخبار متواتر از ائمه هدی (ع) نیز اشاره می‌کند: «و أقول إن إبليس من الجن خاصة وإنه ليس من الملائكة ولا كان منها قال الله تعالى: «إِلَّا إِبْلِيسَ كَانَ مِنَ الْجِنِّ فَفَسَقَ عَنْ أَمْرِ رَبِّهِ»^{۱۳۵} و جاءت الأخبار متواترة عن أئمة الهدى من آل محمد (ع) بذلك.»^{۱۳۶}

همچنین علامه مجلسی، جسمانی بودن فرشتگان را از ضروریات دین اسلام و مضمون آیات و روایات متواتر می‌داند.^{۱۳۷} فاضل مقداد نیز حقانیت امیرمؤمنان و شیعیان آن حضرت را از متواترات می‌داند.^{۱۳۸} وی همچنین با استناد به اخبار متواتر، فسق خوارج را اثبات می‌کند.^{۱۳۹} علامه مجلسی نیز بر کفر مخالفان با آن حضرت و عدم قبولی اعمال آنها و جاودانگی عذابشان در قیامت تأکید می‌کند.^{۱۴۰}

۳. تحلیل کاربرست حدیث متواتر در متون کلامی امامیه

۱۳۲. نک: ابن ماجه، سنن ابن ماجه، ۶۸۰/۵؛ ابوداود، سنن ابوداود، ۲۰۲۴/۴؛ ترمذی، سنن الترمذی، ۳۴۶/۴؛ ابن بابویه، کتاب من لایحضره الفقیه، ۵۷۴/۳.

۱۳۳. محقق حلی، المسلك في أصول الدين، ۱۲۸.

۱۳۴. فاضل مقداد، اللوامع الإلهية، ۴۴۳.

۱۳۵. كهف: ۵۰.

۱۳۶. مفید، سلسلة مؤلفات الشيخ المفيد (اوائيل المقالات)، ۱۳۳/۴.

۱۳۷. مجلسی، حق اليقين، ۳۷۹/۲.

۱۳۸. فاضل مقداد، اللوامع الإلهية، ۳۸۲.

۱۳۹. فاضل مقداد، اللوامع الإلهية، ۳۷۲.

۱۴۰. مجلسی، حق اليقين، ۵۱۸/۲.

گستره حوزه‌های کلامی در استناد به خبر متواتر بر خلاف تلقی رایج، بسیار فراتر از اثبات امامت امیرمؤمنان(ع) و حدیث غدیر است و از خداشناسی تا پیامبرشناسی و معادشناسی و از فضائل گوناگون حضرت علی(ع) تا غیبت حضرت مهدی(عج) را در برمی‌گیرد. در میان مباحث کلامی، مبحث امام‌شناسی با ۴۱ موضع استناد و به طور خاص امامت امیرالمؤمنین(ع) با ۲۵ مورد، از بیشترین میزان استناد برخوردار است. پس از آن با فاصله قابل‌توجهی، مباحث معادشناسی با ۷ مورد، پیامبرشناسی با ۵ مورد، مبحث خداشناسی با ۲ مورد و سایر مباحث اعتقادی با ۵ مورد، استناد بسیار کمتری دارند. در تحلیل این تفاوت می‌توان گفت در بحث امامت، متکلمان امامیه در دو مرحله گفتگو می‌کنند. در یک مرحله از ضرورت امامت و ویژگی‌های لازم برای امامت سخن می‌گویند که در اینجا عمدتاً از ادله عقلی و قرآنی بهره می‌گیرند. در مرحله بعد از تعیین امامان و خصوصیات آنان بحث می‌کنند. در اینجا دیگر ادله عقلی و قرآنی به‌تنهایی کارایی ندارند و باید از احادیث بهره جست و از آنجا که در اعتقادات شیعی، امام‌شناسی از اصول اعتقادی است، طبعاً باید به دلیل قطعی که علم‌آور باشد استناد کرد و احادیث متواتر در اینجا به کار متکلم می‌آید. در سایر مباحث کلامی به‌ویژه خداشناسی و پیامبرشناسی، برخی از موضوعات مانند اصل وجود خدا و صفات خداوند یا ضرورت نبوت و عصمت انبیا که کاملاً عقل‌محور است و امکان استناد به نقل در آنها وجود ندارد. در موضوعات دیگر نیز چون ادله عقلی و قرآنی به اندازه کافی وجود دارد، نیاز کمتری به روایات متواتر وجود دارد. موارد استناد به حدیث متواتر نیز غالباً از باب استشهاد و تأیید سایر ادله است.

از جهت میزان بازتاب در متون کلامی، معجزات غیرقرآنی پیامبر اکرم(ص)، حدیث غدیر و نص بر اسامی امامان، بیشترین بازتاب را دارند. بر این اساس، تواتر در این موضوعات، قائلانی بیشتر و وضوحی فزون‌تر دارد.

در میان متکلمان، علامه مجلسی با ۳۸ مورد استناد، بیشترین استناد به تواتر را دارد. پس از وی فاضل مقداد با ۱۵ مورد و علامه حلی با ۱۳ مورد در رتبه‌های بعدی قرار می‌گیرند. استناد سایر متکلمان، ۶ مورد و کمتر است. این فاصله‌های معنادار، حاکی از میزان اهتمام به کلام نقلی و مستندات حدیثی در مباحث کلامی است. این اهتمام در علامه مجلسی به عنوان یک محدث، بسیار بیشتر از دیگران است.^{۱۴۱} همچنان که در مکتب کلامی حله نیز از سایر مکاتب کلامی بیشتر است.

از اقسام خبر متواتر، متکلمان امامیه غالباً به تواتر معنوی استناد کرده‌اند و اصراری بر اثبات تواتر لفظی ندارند. در بسیاری از موارد هم تصریح کرده‌اند که این تواتر معنوی، مدلول تضمنی یا التزامی اخبار است که برخی اصولیان متأخر، عنوان «تواتر اجمالی» را به آن داده‌اند. استنادات متعدد به تواتر غیرلفظی در متون کلامی، هم تلقی رایج از تعداد اندک اخبار متواتر را زیر سوال می‌برد و هم ظرفیت استفاده از حدیث متواتر را در مباحث کلامی نشان می‌دهد.

حوزه کلامی	تعداد موارد استناد	درصد تقریبی
امام‌شناسی	۴۱	۶۸%

۱۴۱. سایر محدثانی که آثار کلامیشان در این پژوهش مورد بررسی قرار گرفته است، مانند علامه مجلسی دارای اثر کلامی جامع و فراگیر نسبت به موضوعات گوناگون کلامی نیستند. برای مثال، کتاب کلامی شیخ صدوق (کمال الدین) صرفاً به موضوع مهدویت و کتاب کلامی شیخ حر عاملی (اثبات الهداة) به موضوع نصوص و معجزات امامان اختصاص دارد. بر همین اساس، میزان استنادات آنها به احادیث متواتر از جهت گستره موضوعات کلامی، محدود و متمرکز در همان موضوع خاص است.

معادشناسی	۷	۱۲%
پیامبرشناسی	۵	۸%
مباحث متفرقه	۵	۸%
خداشناسی	۲	۴%
جمع	۶۰	۱۰۰%

جدول شماره ۱: جدول توزیع حوزه‌های کلامی استناد به حدیث متواتر

موضوع کلامی	تعداد موارد استناد	متکلمان استناددهنده
معجزات غیرقرآنی پیامبر اکرم (ص)	۸ مورد	شیخ صدوق، شیخ طوسی، محقق حلی، خواجه نصیر، علامه حلی، ابن میثم، فاضل مقداد، علامه مجلسی
حدیث غدیر	۷ مورد	سید مرتضی، خواجه نصیر، علامه حلی، فاضل مقداد، مقدس اردبیلی، فیض کاشانی، علامه مجلسی
نص بر اسامی امامان	۷ مورد	محقق حلی، علامه حلی، ابن میثم، فاضل مقداد، مقدس اردبیلی، فیض کاشانی، علامه مجلسی
معجزات و کرامات امامان	۵ مورد	علامه حلی، فاضل مقداد، ابن میثم، علامه مجلسی، شیخ حر عاملی
اصل امامت امیرالمومنین (ع)	۵ مورد	سید رضی، شیخ طوسی، محقق حلی، علامه حلی، فاضل مقداد
حدیث طیر	۴ مورد	شیخ مفید، علامه حلی، فاضل مقداد، علامه مجلسی
سایر موضوعات	کمتر از ۴ مورد	متکلمان متعدد

جدول شماره ۲: جدول موضوعات کلامی و میزان استناد متکلمان به آنها به عنوان موضوع متواتر

رتبه	متکلم	تعداد موارد استناد	منبع کلامی (به ترتیب میزان استناد)
------	-------	--------------------	------------------------------------

۱	علامه مجلسی	۳۸ مورد	حق الیقین
۲	فاضل مقداد	۱۵ مورد	اللوامع الإلهیه - ارشاد الطالبین - شرح باب حادی عشر
۳	علامه حلی	۱۳ مورد	کشف المراد - انوارالملکوت - مناهج الیقین
۴	شیخ مفید	۶ مورد	اوائیل المقالات - الفصول المختارة
۵	دیگران	کمتر از ۵ مورد	سایر منابع کلامی

جدول شماره ۳: جدول متکلمان امامیه و میزان استناد به تواتر

نتیجه گیری

پژوهش حاضر نشان داد که حدیث متواتر در اندیشه و متون کلامی امامیه، جایگاهی به مراتب گسترده تر و کارکردی عمیق تر از تلقی رایج و محدود آن به چند حدیث مشهور در باب امامت مانند حدیث غدیر دارد. بررسی آثار متکلمان امامیه از قرون نخستین تا دوره های متأخر آشکار ساخت که مفهوم تواتر، پیش از تکوین نهایی در علوم حدیث و اصول فقه، در بستر مباحث کلامی شکل گرفته و متکلمان شیعه نقشی پیشگامانه در تبیین ماهیت، شرایط و اقسام آن ایفا کرده اند. آنان معیار اصلی تحقق تواتر را حصول علم قطعی دانسته و با نفی قیودی از قبیل: عدد معین، نقل همگانی و لزوم علم آوری برای همگان، برداشتی انعطاف پذیر و معرفت محور از تواتر ارائه کرده اند.

یافته های تحقیق همچنین نشان می دهد که استناد به حدیث متواتر در کلام امامیه، حوزه های متنوعی از خداشناسی و پیامبرشناسی تا امام شناسی و معادشناسی را در بر می گیرد؛ هرچند تمرکز اصلی آن در مبحث امام شناسی و به ویژه اثبات امامت امیرالمؤمنین (ع) و ائمه دوازده گانه است. غلبه تواتر معنوی - و گاه آنچه اصولیان متأخر «تواتر اجمالی» نامیده اند - بیانگر آن است که متکلمان امامیه بیش از التزام به وحدت لفظ، بر اشتراک دلالتی و علم آوری مضمون تکیه داشته اند. این امر هم کثرت واقعی متواترات در میراث شیعی را آشکار می سازد و هم ظرفیت بالای حدیث متواتر را برای استدلال های اعتقادی نشان می دهد.

مقایسه کاربست حدیث متواتر در کلام امامیه با دیگر مکاتب کلامی اسلامی، تحلیل تطبیقی میان تواتر کلامی و تواتر اصولی، و نیز بررسی نقش تواتر در منازعات کلامی معاصر، پژوهش هایی در گام های بعدی است که می تواند افق های تازه ای پیش روی مطالعات حدیثی - کلامی بگشاید.

منابع:

قرآن کریم.

آخوند خراسانی، محمدکاظم. کفایة الأصول. قم: مؤسسة آل البيت، ۱۴۰۹ق.
ابن بابویه، محمد بن علی. کتاب من لا یحضره الفقیه. قم: مؤسسة النشر الاسلامی، ۱۴۰۴ق.
ابن بابویه، محمد بن علی. کمال الدین و تمام النعمة. قم: دارالکتب الاسلامیة، ۱۳۹۵ق.
ابن براج، عبدالعزیز بن نحریر. جواهر الفقه (الرسالة العقائد الجعفریة: خمسون مسألة اعتقادیة). قم: مؤسسة النشر الإسلامی، ۱۴۱۱ق.

ابن سینا. الإشارات و التنبيهات. بی جا: نشرالبلاغه، بی تا.
ابن سینا. الشفاء (البرهان). قم: مكتبة آية الله المرعشي، بی تا.
ابن ماجه، محمد بن یزید. سنن ابن ماجه. بیروت: دارالجليل، ۱۴۱۸ق.
ابن منظور، محمد بن مکرم. لسان العرب. بیروت: دار صادر، ۱۴۱۴ق.
ابن میثم، میثم بن علی. قواعد المرام فی علم الکلام. قم: مكتبة آية الله العظمی المرعشي النجفي (ره)، ۱۴۰۶ق.
ابوداود، سلیمان بن اشعث. سنن أبي داود. بی جا: دارالحديث، بی تا.
ابوالصلاح حلبی، تقی بن نجم. تقریب المعارف. بی جا: محقق، ۱۳۷۵.
اربلی، علی بن عیسی. كشف الغمة فی معرفة الأئمة. قم: بني هاشمي، ۱۳۸۱ش.
برنجکار، رضا. روش شناسی علم کلام. قم: دارالحديث، ۱۳۹۱.
پاکتچی، احمد. دایرة المعارف بزرگ اسلامي، زیر نظر محمدکاظم موسوی بجنوردی. تهران: مرکز دایرة المعارف بزرگ اسلامي، ۱۳۸۷.

ترمذی، محمد بن عیسی. سنن الترمذی. قاهره: دارالحديث، ۱۴۱۹ق.
حر عاملی، محمد بن حسن. إثبات الهداة بالنصوص والمعجزات. قم: مؤسسة الأعلمي للمطبوعات، ۱۴۲۵ق.
حسینی زیدی، ابوالقاسم. «واکاوی تواتر اجمالی و گستره دلالت آن». تحقیقات علوم قرآن و حدیث، ش ۳۵ (پاییز ۱۳۹۶): ۸۰-۵۵.

زبیدی، محمد بن محمد. تاج العروس من جواهر القاموس. بیروت: دارالفکر، ۱۴۱۴ق.
شریف الرضی، محمد بن حسین. خصائص الأئمة عليهم السلام. مشهد: مجمع البحوث الإسلامیة، ۱۴۰۶ق.
شهید ثانی، زین الدین بن علی. الرعاية فی علم الدراية. قم: کتابخانه آیت الله مرعشی، ۱۴۰۸ق.
صدر، رضا. نهاية الدراية فی شرح الوجيزة. بی جا: مشعر، بی تا.
صدر، محمدباقر. دروس فی علم الأصول. قم: مؤسسة النشر الاسلامي، ۱۴۱۸ق.
طوسی، محمد بن حسن. الاقتصاد فيما يتعلق بالاعتقاد. قم: دار الأضواء، ۱۴۰۶ق.
طوسی، محمد بن حسن. تمهید الأصول فی علم الکلام. تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۶۲.
طوسی، محمد بن حسن. الغيبة. قم: مؤسسة المعارف الإسلامیة، ۱۴۲۵ق.
عاملی، حسین بن عبدالصمد. وصول الأخبار إلى أصول الأخبار. قم: مجمع الذخائر الإسلامیة، ۱۳۶۰.
علامه حلی، حسن بن یوسف. الباب الحادي عشر (مفتاح الباب). مشهد: مؤسسة چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی، ۱۳۷۰ش.
علامه حلی، حسن بن یوسف. أنوار الملکوت فی شرح الیاقوت. قم: الشریف الرضی، ۱۳۶۳ش.
علامه حلی، حسن بن یوسف. كشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد. قم: مؤسسة النشر الإسلامی، ۱۴۱۳ق.

- علامه حلي، حسن بن يوسف. مناهج اليقين في أصول الدين. قم: دار الأسوة للطباعة والنشر، ١٤١٥ق.
- علم الهدى، علي بن حسين (سيد مرتضى). الذخيرة في علم الكلام. قم: مؤسسة النشر الإسلامي، ١٤١١ق.
- علم الهدى، علي بن حسين (سيد مرتضى). الشافي في الإمامة. قم: مؤسسة الصادق (ع)، ١٤٠٧ق.
- فاضل مقداد، مقداد بن عبدالله. إرشاد الطالبين إلى نهج المسترشدين. قم: كتابخانه عمومى حضرت آيت الله العظمى مرعشى نجفى (ره)، ١٤٠٥ق.
- فاضل مقداد، مقداد بن عبدالله. اللوامع الإلهية فى المباحث الكلامية. قم: دفتر تبليغات اسلامى، ١٣٨٠.
- فيض كاشانى، محمد بن شاه مرتضى. علم اليقين. قم: بيدار، ١٣٧٧.
- كراجكى، محمد بن على. كنز الفوائد. قم: دار الذخائر، ١٤١٠ق.
- لاهيچى، عبدالرزاق بن على. سرمايه ايمان. قم: الزهرا (س)، ١٣٧٢ش.
- لاهيچى، عبدالرزاق بن على. گوهر مراد. تهران: نشر سايه، ١٣٨٣ش.
- مامقانى، عبدالله. مقباس الهداية فى علم الدراية. قم: مؤسسة آل البيت، ١٤١١ق.
- مجلسى، محمدباقر. حق اليقين. تهران: اسلاميه، ١٣٨٦.
- محقق حلى، جعفر بن حسن. المسلك في أصول الدين. مشهد: آستانة الرضوية المقدسة، مجمع البحوث الإسلامية، ١٣٧٣ش.
- مفيد، محمد بن محمد. أوائل المقالات. قم: دارالمفيد، ١٤١٤ق.
- مفيد، محمد بن محمد. الفصول المختارة. قم: دارالمفيد، ١٤١٤ق.
- مقدس اردبيلى، احمد بن محمد. اصول دين. قم: دفتر تبليغات اسلامى، ١٣٧٩.
- نائينى، محمدحسين. أجود التقريرات. قم: مطبعة العرفان، ١٣٥٢.
- نصرتيان، مهدي. روش شناسى استنباط در علم كلام. قم: دارالحديث، ١٣٩٥.